

بررسی تطبیقی معماری مقدس در دین اسلام و ارتدوکس مسیحیت قیاسی بر مضامین الوهی دین اسلام و معماری کلیسای سنت ساوا (بلغراد صربستان)

سید مجید نادری^{۱*}، حمیده فروزانگهر^۲.

۱- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد واحد تهران غرب، گروه معماری، تهران، ایران.

۲- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد واحد تهران شرق (قیامدشت)، گروه معماری، تهران، ایران.

*مؤلف مسئول: Sm. naderi@yahoo.com

نوع و میزان عقاید و مضامین دینی، می تواند در فرهنگ بطور اعم و در معماری بطور اخص، باز نمودی ویژه یابد که در این میان، در ادیان الهی که مبتنی بر جهان بینی خاص هستند، این باز نمودها روایتگر احساس و اندیشه معماران وابسته به دین و جهان بینی خاص است که در تصویر و تجسیم کالبدی اثر خود را به نمایش می گذارد و در واقع بحث در این است که معماری مقدس که بر جنبه های ماورایی و قدسی یک دین تاکید دارد، خود را به انحاء و اطوار گوناگون در معماری و شهرسازی به منصفه ظهور می رساند که در مقایسه تطبیقی ادیان اسلام و مسیحیت نیز دارای جلوه های بصری خاصی است. در مقاله حاضر با رجوع به این مضامین و مضامیر شهودی و کالبدی و در روش تحقیق تحلیلی- قیاسی، به بررسی نمودهای معنوی معماری دو دین اسلام و ارتدوکس مسیحیت پرداخته می شود. یافته های تحقیق نشان از آن دارد که معماری مقدس در ادیان الهی با رمزگذاری در نمادهای بصری و شکلی، نوعی فهم و ادراک و زیباشناخت محتوایی را رمزگشایی می کند که در قالب نوع و چگونگی عناصر کالبدی بنا (استفاده از فرم های ویژه و مقدس، محورها و جهات قرارگیری و عناصر خاص معماری (گنبد و ایوان و موارد مشابه)، و در عین حال تم مایه های محتوایی (توجه به آداب و رسوم دینی و نمادگرایی اعداد و تزیینات) خود را نشان می دهد که لازم است تا مورد توجه حرفه مندان عرصه معماری و شهرسازی، در تطابق و ملائمه مفهومی (دین و معماری)، قرار گیرد.

کلمات کلیدی: معماری مقدس، ارتدوکس مسیحیت، مضامین الوهی، کلیسای سنت ساوا بلگراد.

مقدمه

معماری قدسی با کیهان شناسی مأنوس و در ارتباط است و هر گونه خلاقیتی در آفرینش تکراری است از مثال اعلائی آفرینش عالم و هر

بنایی که اینک بنیان نهاده می شود، ریشه اش در مرکز عالم قرار دارد. (الیاده، ۱۳۶۵، ۵۶).

انسان نیز همانند کیهان بازتابنده اصلی الهی است. پس خود انسان با کیهان درارتباط است. او عالم صغیر است و

بینی اسلام است رابطه اسلام با هنر و معماری و یا به عبارتی اتصاف هنر و معماری به اسلام و به بیان بهتر اسلامیت هنر و معماری ایرانی غیر قابل انکار است (نقی زاده ۱۳۷۸ ص ۲۶۹).

رویکردهای مربوط به شناخت شهرسازی ادیان

در میان رویکردهای وارد به مقوله امر قدسی در معماری و شهرسازی اسلامی ایران زمین می توان موارد زیر را مرتبط دانست:

الف. انتولوژی (وجودشناسی یا هستی شناسی)

ماهیت معماری و شهرسازی را در وجود و هستی مکنون معماری جستجو می کند. در واقع در این روش معنویت دینی معماری شانی وجود شناسانه به خود می گیرد. در این رابطه لازم است که ماهیت وجودی و ذاتی معماری و هرآنچه در تجسم کالبدی معماری به منصف ظهور می رسد خود را در قالب ابنیه و فضاهای شهری جلوه گر سازد.

ب. اپیستومولوژی (شناخت شناسی)

ماهیت معماری و شهرسازی را در پدیداری معماری و ریشه های شکل گیری معماری قدسی جستجو می کند و در واقع در این روش معنویت دینی معماری شانی معرفت شناسانه بخود می گیرد که معرفت را از طریق الهیات شناسایی می کند و اعتقاد معماران به پدیدار شناسی معماری دینی و معنوی اسلامی را اثبات پذیر می سازد. در این رابطه می توان به نظریات و هایدگر (۱۹۶۹ و ۱۹۸۳) و نوربری شولتز و ریخته گران (۱۳۷۸ و ۱۳۸۱) اشاره داشت. در این رابطه لازم است که ماهیت وجودی و ذاتی معماری و هرآنچه در تجسم کالبدی معماری به منصف

همچون عالم کبیر بازتابنده حقیقتی ماورائی است. با جستجویی در شهرهای سنتی، اساس و شالوده این شهرها را می توان حاصل اندیشه هایی که بیانگر آفرینش کیهان و نظام حاکم برآند، یافت. نظامی کیهانی، که انسان نیز خود را جزئی از آن دانسته و بدون آن ها آرزوها و سلیقه ها و رفتارهایش از سوی هموعانش قابل درک نیست. بدینگونه نظریه های کیهانی، اساس اولین نهادهای اجتماعی و زیستی را تشکیل می دهند. «این اندیشه ها در پیوستارفضای زمانی- مکانی خود متأثر از شرایط زیستی و محیط کالبدی- اجتماعی- فرهنگی پذیرای مفاهیمی جدیدتر بوده که حاکی از روح زمان و مکان می باشد» (حکمتی و کبیر، ۱۳۷۸، ۸۵).

میرچا، الیاده اعتقاد بر این دارد، که شهر و مجتمع های زیستی انسان بر اساس الگوهای کیهانی ساخته شده اند و کیهان آفرینی هم آیینی الهی بوده و انسان با اقدام به آفرینش، به تکرار آفرینش اولیه می پردازد (الیاده، ۱۳۶۵، ۸۶). انسان از طریق ارتباط با نظام کیهانی سعی در جستجوی رابطه خود با منشاء و ریشه هستی دارد و همین عامل وجه اشتراک بسیاری از سنن است. گرایش به نظام کیهانی یا نقشه کیهانی (Cosmo gram) منحصر به یک قوم و یک سنت نیست و از ابتدائی ترین بناهای دینی بشری از اهرام و زیگوراتها تا طرح بناهای دینی بسیاری از ادیان در دوره معاصر نیز وجود دارد. ابتدائی ترین نمونه تاثیر نظام کائنات در اندیشه انسان در شکل گیری معبد به عنوان وجه اتصال آسمان و زمین است. معبد به دلیل اینکه محل ملاقات انسان با خداست یکی از مقولات اصلی زندگی معنوی انسان است و انسان به این خاطر به آن جنبه تقدس می بخشد.

از آنجایی که هنر و معماری ارتباط بنیادین به فرهنگ و جهان بینی برقرار می نماید و افزودن بر آن به عنوان جلوه ای از هویت جامعه شکل می گیرند و ابراز وجود می نمایند و با عنایت به اینکه رکن اصلی فرهنگ و جهان

ترین و جامع ترین ساخته انسان، نمایشگر کثرت وسائل و گونه گونه ترین راه رسیدن به وحدت است. فضا، اصلی ترین عنصر معماری و یکی از سراسر ترین نمادهای سنتی، ازلی و همه جا گستر و در کیهان شناسی جایگاه "مقام" نفس کل را دارد. انسان در فضای بیکران، تنها با رجوع به آسمان می تواند جهت را درک نماید. انتظام کرات و حرکاتشان درشش جهت (شرق - غرب - شمال - جنوب - فوق (سمت الرأس) - تحت (سمت القدم)) پدید آورنده دستگاه مختصاتی است، که کل هستی در آن واقع است. به دنبال درک نظم در فضای کیهانی، انسان سنتی، به دنبال انتظام منطقه ای می گردد و این انتظام با تأکید بر مکانیت و حس مکان (مفهوم مکان هم از جسم و هم از روح تشکیل شده است) صورت می گیرد.

از منظر قدسی، ادراک معماری و اجزایش وسعتی دو جهانی می یابد. با وارد شدن به عالم عرفانی و شهودی سازندگان و عالم اینجهانی آن ها درک صحیح ساخته های آنها حاصل می شود. به عبارتی هر نوع شناخت از معماری قدسی، با شناخت عالم آنجهانی و عالم اینجهانی معمار سازنده آن قابل درک و استنباط خواهد بود. هنرمند سنتی، آفریننده نیست، بلکه وی با اثرش پرده از رخسار حقیقت بر می دارد. آثار هنرمند سنتی «همانند هنرهای طبیعت اند، همزمان کارآیند و کیهانی» و عجیب با اصالت تبیین که حقیقت را از راه طریقت جستجو می کند» (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰، ۵).

منبع الهام معمار مسلمان، طبیعت محسوس و هندسه پنهان و شگفت انگیز آن که رمزگشای صورت مثالی است، می باشد. طبیعتی که هندسه و حدانی اش را از پس تکثرات و تنوعاتش، پیش چشمان شهود وی قرار می دهد (ندیمی، ۱۳۷۸، ۳۷۸). از آنجا که سنت ها بر اصول اعتقادی و عقلانی و تجربه استوارند و بر اساس فطرت انسانی این اصول خدشه ناپذیرند، ماندگار و جاودان خواهند بود (انصاری، ۱۳۶۷، ۱۳۸).

ظهور می رسد در باب ریشه های دینی و معنوی شکل گیری آن مورد بازاندیشی قرار داده شود.

پ. اگزبولوژی (ارزش شناسی)

ماهیت معماری و شهرسازی را در ریشه های ارزشی معماری و شهرسازی جستجو می کند و در واقع در این روش معنویت دینی معماری شانی ارزش شناسانه بخود می گیرد که ارزش را در طریق الهیات شناسایی می کند و هرچه ابنیه معماری و معماری ادیان به الهیات و پروردگار نزدیک تر باشد ارزش بیشتری دارد. در این رویکرد ارزش معماری در بروز هرچه بیشتر ارزش های دینی و ماهیت ارزشی معماری در بیان عقاید و مقوله های معنوی است.

ت. استاتیک (زیبایی شناسی)

ماهیت معماری و شهرسازی را در ریشه های زیبایی شناسانه معماری و شهرسازی جستجو می کند و در واقع در این روش معنویت دینی معماری شانی زیبایی شناسانه بخود می گیرد که زیبایی را در طریق الهیات شناسایی می کند و هرچه ابنیه معماری و معماری ادیان به الهیات و پروردگار نزدیکتر باشد زیبایی بیشتری دارد. در این رویکرد زیبایی معماری در بروز هرچه بیشتر مفاهیم علوی دینی و ماهیت زیبایی معماری در بیان عقاید و مقوله های معنوی است.

یک دهان خواهم به پهنای فلک

تا بگویم وصف آن رشک ملک

ور دهان یابم چنین و صد چنین

تنگ آید در فغان این چنین

در باب معماری قدسی

تجلی نظم کیهانی را می توان در مساجد، مقابر، مدارس و کاروانسراهای سنتی ایران یافت. معماری به عنوان حیاتی

یک اندازه تعیین یافته اند. این هر سه مقیاس چه جدا جدا و چه یک جا از جنبه نشات مثالی شان متعین و دیرپای و تمام و کمال اند (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰، ۷۹).

معمار مسلمان به مثابه امکان دهنده قرب معنوی: از غربت تا قربت معنوی

شیخ محمد لاهیجی شارح گلشن راز، قرب را به دو قسم «قرب ایجادی» و «قرب شهودی» تقسیم می کند که قرب ایجادی در نظر وی موجب «ادراک بسیط» و قرب شهودی موجب «ادراک ادراک» است. لاهیجی در تفصیل مطلب چنین می گوید:

«ادراک بسیط ادراکی است که ذوات اعیان علمیه، قبل از وجود خارجی به حکم «الست بربکم؟ قالوا بلی» کسب کرده اند و این ادراک مقتضی عبادات اضطراری و رحمت عام رحمانی است که مستلزم قرب ایجادی است» (لاهیجی، ۴۱۳-۴۱۴).

«قرب فرایض» و «قرب نوافل» بر این مرتبه ثانی می پردازد و «حقیقت هنر» با این دو قرب سروکار پیدا می کند. در قرب نوافل وجود حق سبحان در باطن عبد مستور و نهان می شود. در این مقام حق، سمع و بصر و لسان عبد است. جامی در تفصیل مطلب چنین ادامه می دهد:

«حال از دو امر خالی نیست: یا حق ظاهر است و خلق باطن، یا خلق ظاهر است و حق باطن. اگر تجلی اسم الظاهر را بود، خلق مختفی و باطن گردد در حق، و حق ظاهر باشد و در این مرتبه بنده سمع و بصر حق گردد، چنانچه در تقرب الی الله بالفرایض است، و اگر تجلی اسم الباطن را باشد، حق در خلق مختفی گردد و خلق ظاهر باشد، در این مرتبه حق سمع و بصر ید و رجل بنده گردد، چنانچه در تقرب الی الله بالنوافل است» (مددپور، ۱۳۸۱، ۱۳۷).

حسن روی تو به یک جلوه که در آینه کرد

این همه نقش در آینه اوهام افتاد

این همه عکس می و نقش نگارین که نمود

یک فروغ رخ ساقی است که در جام افتاد

گفتمان هنر و معماری اسلامی و مفاهیم قدسی

جوهر هنر اسلامی غربتی روحانی و هجرانی عرفانی است که هنرمند را از احساس عدم تجانس با موجودات عالم آگاه می گرداند و تمایل به جاودانگی را در او مرتفع می گرداند (مطهری، ۱۳۶۹، ۹۳) و روحی را تجلی می دهد که آنچه هست، سیرابش نمی کند و هستی را در برابر خویش اندک می بیند و احمق و عاری از معنا و فاقد روح و احساس می انگارد (شریعتی، ۱۰۲).

پدیداری امر قدسی در معماری و شهرسازی اسلامی

می توان دریافت که ریشه ها و پایه های معنوی و روحانی توانسته اند در تداوم حیات ماندگاری و جاودانگی بافت شهری نقش ارزنده ای داشته باشند چنانچه شهرهایی چون مکه مکرمه و مدینه منوره نمونه هایی مناسب در این مورد بشمار می روند که ضمن داشتن روح معنویت در بطن شهر تبلور فیزیکی شان به صورتی شاخص در بافت شهری نمود دارد (میدان نقش جهان اصفهان) این گونه آثار هنری نه تنها قسمتی از شهر اصفهان و روم را ماندگار ساخته اند بلکه به تمامی شهر هویت و روح و روان ماندگار بخشیده اند (پورجعفر، ۱۳۸۲، ۵۴). شهر در سلسله مراتب مفهوم یا تعیین فضایی شکل مثبتی است که میان دستگاه مختصات فضایی قرار گرفته است. کیهان شهر و انسان به

۵- جمال: به عنوان ارتباط کامل و منتظم اجزای مجموعه وجودی موجود است و در عالم طبیعت نقش اساسی در خلاقیت معمار و برقرار ساختن ارتباط هنرمندانه بین اجزای مختلف یک اثر هنری داشته است (انصاری، ۱۳۶۷، ۱۳۹).

مفهوم صور سنتی ایرانی (همبستگی امر قدسی و معماری)

جدول شماره 1 - مفهوم صور سنتی ایران (همبستگی امر قدسی و معماری)

ماخذ: نگارندگان

عالم مثل	عالم صورت	سبک معماری
تکرار بهشت	باغ حیاط	باغ فین
کوه مقدس	تخت	تخت جمشید سکو در معماری مسکونی
انتقال طریقت	ایوان تالار	مسجد جامع چهل ستون ورودی محراب
تحدید مراتب	دروازه	عالی قاپو
گوناگونی	اتاق	مدرسه نیم‌آور
وحدت	سپهر گنبد	مسجد جامع محراب گنبد شمالی
تلفیق دوباره	چارطاق	چارطاق ساسانی محراب اصلی مسجد شاه
محور معرفت الوجودی	میل مناره	منار علی

بررسی تطبیقی نمونه موردی مسیحیت

ارتدوکس

۱. کلیسای ارتدوکس

الهیات به معنی خدانشناسی است که مبین تعریف، توصیف و شناخت خدا در یک دین می باشد. در الهیات مسیحی بحث محدود به وجود خدا نمی‌ماند بلکه موضوعات دیگری

بر این اساس چنین باید گفت که در مقام قرب فرایض هنرمند دینی، آیین و عدم است و خدا را در خویش می بیند حال آنکه در قرب نوافل خدا و عالم آیین می شوند و هنرمند است که خویشتن را در آن ها رویت می کند. امام(ره) در باب غربت و سوز فراق در کتاب «سراصلوه» می‌فرماید:

«و برای عاشق عذایی الی‌متر از سوز فراق نیست، پس سلام نماز اولیاء امان از بلای حجب ظلمانه‌ی دنیا و حجب نورانی‌ی آخرت است که هر یک عین عذاب الیم می‌باشد (امام خمینی، ۱۳۶۹، ۱۸۱).

در معماری مقدس در دین اسلام، اصولی قدسی وجود دارد که برخی از آن ها عبارتند:

۱- اصول دین مبین اسلام، که اصل توحید و معانی تمثیلی آن بیشترین کاربرد را داشته اند.

۲- فطرت انسانی: که تاثیر ابعاد جسمانی و روحانی انسان و گرایش فطری او بالاخص دو بعد گرایش به زیبایی و خلاقیت و ابداع بیشتر مورد توجه قرار گرفته اند. انسان موجودی چند بعدی است که کلیه این ابعاد باید در طراحی محیط های انسانی مورد توجه قرار گیرد. فطری بودن گرایش به تزئین نیز ناشی از این ابعاد است.

۳- اصول عقلانی: عقل در خلق تکنولوژی سنتی و کاربرد درست و به جای ماده نقشی اساسی داشته است، که از آن جمله می توان عقلانی بودن نقوش هندسی که همانا دادن حد بالقوه به ماده یا تبلور آن می باشد را یاد آوری کرد.

۴- نظم حاکم بر طبیعت: الهام معمار مسلمان از طبیعت به عنوان "برترین استاد" همواره در این معماری مطرح بوده است. طبیعت که دارای نظام صحیح و کاملی است و معنای حقیقی زیبایی، کمال در جزء جزء آن جلوه گری می کند، به عنوان منبع الهام غنی مورد استفاده قرار گرفته است.

۲. در باب مفهوم ارتدکس

واژه ی ارتدکس (Orthodox) از ریشه یونانی (doxa) به معنی باور (عقیده) اعتقاد و رأی آمده است. این واژه با اضافه کردن پیشوند (Ortho) در مسیحیت بار معنایی گرفت. که به معنای راست و درست می باشد. پس کل کلمه به معنای «درست باوری» یا «راست باوری» می باشد. آن ها براین باورند که هر کس مانند آن ها می اندیشد، راست اندیش است و هر کس مانند آن ها نمی اندیشد، راست اندیش نیست. سبب آن که این بخش از مسیحیت این نام را به خود گرفت، وقوع دو امر و منطبق شدن آن دو بر هم بوده است:

الف) این دسته از مسیحیان خودشان را درست باور می دانستند و دیگران را تحت تأثیر یونان و روم قدیم می شمردند؛

ب) از زمان اعلام و نشر اعتقاد نامه کالسدون، اختلافی در باب اصالت باور در برابر اصالت عمل درگرفته بود.

این گروه از مسیحیان، درست باوری «orthodoxy» را بر درست کرداری ترجیح می دادند. به عبارت دیگر، ملاک تدین را درست باوری می شمردند، و درست کرداری را ملاک اخلاقی شدن انسان می دانستند. از این رو، مسیحیان فوق، به نام ارتدکس شهرت یافتند.

۳. تاریخ شکل گیری ارتدکس

کلیسای رومی را کلیسای کاتولیک و لاتینی و کلیسای بیزانس یا قسطنطنیه را کلیسای ارتدکس و یونانی گویند. در واقع ارتدکس ها وارثان میراث غنی فکری و معنوی تمدن بیزانس هستند. در واقع ظهور کلیسای ارتدکس به تولد حضرت مسیح بر می گردد. اما واقعیت تاریخی این است که مسیحیت در سال ۱۰۵۴ میلادی به کلیسای شرق و غرب تقسیم شد. منظور از کلیسای غرب همان

نیز مورد مطالعه و تحقیق قرار می گیرند. موضوعات عمده الهیات مسیحی عبارت اند از: خداشناسی، مسیح شناسی، تثلیث، نجات شناسی، کتاب مقدس و آخرت شناسی.

مسیحیت در اوایل ظهور طی چهار قرن، دین یکه تاز میدان نبود و می بایست با اندیشه های فلسفی و عقاید دینی سراسر امپراتوری روم، مصر و فارس مبارزه کند. در جریان این کشمکش ها الهیات مسیحی بنا شده، رشد کرد و شکل گرفت. بعد از قرن شانزدهم نیز دستخوش اندیشه های دوران روشنگری Enlightenment و آزاد اندیشی بوده و به همین دلیل است که الهیات مسیحی بطور خیلی گسترده روی جوامع شرق و غرب پهن شده است. آزادی بیان و فکر در دنیای امروز غرب امکان این را فراهم آورده تا هر فرقه و حتی هر کلیسا الهیات مختص و منحصر به خود را ترتیب دهد. به همین دلیل ناممکن است که تعریف واحد از الهیات مسیحی ارایه کنیم که دربرگیرنده دیدگاه های تمام کلیساها باشد. ولی این به معنای اختلاف و تضاد کلی میان کلیساها نیست. همه کلیساها در موضوعات عمده دین مسیحیت باهم هممنظر اند. آنچه الهیات کلیساها را از هم جدا می سازد، اختلاف نیست بلکه تفاوت ها است.

الهیات محافظه کار، الهیات رسمی تقریباً همه فرقه هاست (ارتودکس، کاتولیک، پروتستانت و فرقه های غیروابسته). محافظه کاران، الهیات و تعلیم پدران کلیسا را حفظ می کنند. الهیات لیبرال آنگونه که از نامش پیداست، بیانگر دیدگاه های آزاد کلیساها و افراد است که الهیات رسمی مسیحی را نمی پذیرند. آن ها طرفدار مکتب اصالت عمل هستند که ادعا دارد ایمان باید در جهان ایده و ایدالیسم مطالعه شود که در جهان ایده هیچ چیزی ثابت و قطعی نیست بلکه نسبی. همچنان ایمان باید در محدوده فریضه های معقول و استدلال منطقی باقی ماند.

دارای احساسات مادری است احترام می گذارند، ولی در کلیساهای ارتدکس او را مانند خدای تعالی پرستش می کنند و او را موجودی فوق بشری می دانند.

در کلیسای ارتدکس فرایض دینی از سال ۱۲۷۴ م. در هفت چیز خلاصه می شود:

- (۱) تعمید
- (۲) ادای شهادت
- (۳) مسح با روغن مقدس
- (۴) تناول
- (۵) توبه
- (۶) مسح بیماران
- (۷) مراسم ازدواج

معبد ارتدکس سنت ساوا در بلغراد صربستان، بزرگ ترین کلیسایی است که در حال حاضر استفاده می شود. این کلیسا به سنت ساوا (بنیان گذار کلیسای ارتدکس صربستان) که در دوران قرون وسطی نقش مهمی داشته است، اهدا شده است. این معبد در محلی قرار گرفته که به کل فضاهای شهری بلغراد و حتی اکثر بناهای تاریخی این شهر مسلط می باشد. شایان ذکر است که تمام سرمایه های این معبد از هدایای زائران تأمین می گردد. این بزرگ ترین کلیسای ارتدکس حال حاضر دنیا در شهر بلغراد است که به نماد شهر بلغراد و کشور صربستان تبدیل شده است. باید اشاره کرد که این بنا بر روی محل قدیمی کلیسای ساوا که در سال ۱۵۹۵ توسط (sinnan pasha) ترکی به آتش کشیده شد استقرار یافته است. این کلیسا هم بر طبق عقاید مذهبی ارتدکس دارای دو طبقه می باشد که طبقه اول آن محل اجتماعات مسیحیان و طبقه دوم محل اسقف اعظم و بزرگان دینی است. شکل پلان برگرفته از یک صلیب میباشد که به تقریب دارای بال های مساوی است (صلیب یونانی). همچنین استفاده از گنبدها و نوع طاق های استفاده شده حاکی از تأثیر تفکرات شرقی بر این طرح است.

مذهب کاتولیک است که مذهب پروتستان از آن زاده شده و کلیسای شرق نیز ارتدکس را در بر می گیرد تا این تاریخ دو کلیسای لاتینی و یونانی با هم مرآمده و همکاری داشتند، اما از این تاریخ به بعد به صورت رسمی از هم جدا شدند. علت جدا شدن این دو کلیسا این بود که در این سال، پاپ روم رئیس کلیسای کاتولیک، رئیس کلیسای ارتدکس را تکفیر کرد، او نیز واکنش نشان داد و پاپ را ملحد معرفی کرد. این حرکت اوج اختلافات دو کلیسای مستقر در دو امپراتوری روم شرقی و غربی بود که منجر به استقلال هر یک از دیگری شد. سابقه کلیسای کاتولیک از دیگر کلیساهای بیشتر است و کاتولیک ها برای کلیسای روم و پاپ نقش محوری قائلند و او را نماینده خدا بر زمین می دانند.

۴. تفاوت عقاید مذهبی ارتدکس و کاتولیک

در بخش غربی امپراتوری اصحاب کلیسا (کلیسای کاتولیک) به مسیحیت بیشتر از جنبه قضایی و حقوقی می نگرستند ولی در بخش شرقی (کلیسای ارتدکس) نگاهشان بیشتر جنبه فلسفی داشت. کلیساهای شرق تصاویر مقدس را دارای طبیعت و روح الهی می دانند ولی کلیساهای روم به تصاویر مریم و دیگر قدیسین منزلت بشری می دهند. کلیساهای ارتدکس مجموعه ای از کلیساهای محلی، اسقف، کشیش ها و جماعت دینی را در بر می گیرد. این کلیساهای اسقفیه می نامند. اسقف یک منطقه در ارتباط با کلیسای مجاور خود فاقد نفوذ و تأثیر است و این یکی از اختلافات و تفاوت های اساسی بین نوع نگاه کاتولیک ها و ارتدکس ها به ساختار کلیسا است. پس کاتولیک ها به centralism و تمرکز گزایی اعتقاد دارند ولی ارتدکس ها در این مورد استقلال بیشتری دارند. اعتقاد اولیه و اساسی مسیحیت تثلیث است یعنی ارتباط بین پدر و پسر و روح القدس. در کلیساهای کاتولیک مریم را به جهت مادر عیسی بودن که

مشخصات ظاهری کلیسا

(۱) طول کلیسا از شرق به غرب: ۸۱ متر

(۲) طول کلیسا از شمال به جنوب: ۹۱ متر

(۳) ارتفاع: ۷۰ متر

صلیب اصلی طلایی تا ۱۲ متر بیش از این ارتفاع ادامه می یابد. این کلیسا همچنین دارای ۱۸ صلیب دیگر با سایز های مختلف است. برج ناقوس این کلیسا دارای ۴۹ زنگ است. فرآیند ساخت این بنا بسیار کند بوده است در واقع ۳۰۰ سال پس از سوختن کلیسای ساوا، در سال ۱۸۹۵ انجمنی در بلگراد برای ساخت مجدد این بنا تشکیل شد که هدفش ساخت کلیسایی در همان مکان قبلی بود.



تصویر شماره ۱- پلان کلیسای سنت ساوا

در سال ۱۹۰۵ میلادی یک رقابت عمومی برای طراحی این کلیسا آغاز شد که هر پنج طرح دریافت شده به دلیل نامناسب بودن، رد شد. در تاریخ ۱۹۱۲ که مقارن با جنگ بالکان و جنگ جهانی اول بود تمام فعالیت های ساخت این کلیسا متوقف شد.

در سال ۱۹۱۹ بعد از اتمام جنگ مجدداً، انجمنی برای ادامه ساخت کلیسا تشکیل شد که در سال ۱۹۲۶ طرح هایی برای این کلیسا ارائه گردید. از میان ۲۲ پروژه، طرح

رتبه دوم جهت انجام این موضوع انتخاب گردید. الکساندر درکو^۴: معمار و ویجیلاو زادجینا^۵: مهندس سازه این کلیسا بودند. ساخت این کلیسا تا آغاز جنگ جهانی دوم و اشغال شدن کشور یوگسلاوی در سال ۱۹۴۱ به طول انجامید. اما متأسفانه سربازان آلمانی در خلال این جنگ از این بنای نیمه تمام به عنوان پارکینگ و انبار وسایل جنگی استفاده می کردند که صدمات زیادی به این بنا وارد گردید. در سال ۱۹۵۸ (بعد از اتمام جنگ)، اسقف اعظم آلمان خواستار طراحی مجدد این کلیسا گردید. در این زمان ۸۸ طرح برای ادامه ساخت این کلیسا ارائه گردید که برانکو پسیک به عنوان معمار جدید بنا برگزیده شد. در سال ۱۹۸۵ دیوارهای بنا تا ارتفاع ۴۰ متر ساخته شد. کار مهم انجام گرفته در ساخت این بنا، بالا بردن گنبد ۴۰۰۰ تنی مرکزی بنا بوده است که این گنبد به همراه صلیب روی آن بر روی زمین ساخته شده است و سپس به بالای دیوارها گذاشته شده است.

- نمای بیرونی این بنا با سنگ مرمر و گرانیت است و قسمت داخلی آن دارای تزئینات گچی و موزاییکی است.
- در شکل گیری این کلیسا علاوه بر عقاید مذهبی ارتدکس تفکرات بیزانسی نیز نقش اساسی داشته است. از دوران ژوستی نین به بعد کلیسای گنبددار با نقشه ای متمرکز در قسمت اصلی بنا رواج یافت و بر دنیای مسیحیت ارتدکس حکمفرما گردید. این کلیسا سنت ساوا دارای یک پلان ترکیبی محوری- مرکزی است که قسمت مرکزی آن (صحن اصلی) را گنبدی با پنجره هایی دور تا

⁴ Aleksander Derko

⁵ vojislav zadjina

نتیجه گیری

بر اساس آنچه گفته شد در معماری مقدس آنچه به زعم بسیاری معماری قدسی نامیده می شود نمونه های مشابهی از توجه به فضا سازی و فضا پردازی دیده می شود چنانچه در نوع و میزان و ترکیب پلان معماری و فرم های بکار رفته در آن خود را نشان می دهد. در واقع باید گفت دور آن پوشانده است. در نمای بیرونی کلیسا، گنبد عظیم آن در کل بنا مسلط است. ساختمان دارای ترکیبی از عناصر گوناگون است بدین معنی که بنا دارای محور طولی کلیساهای مستطیل شکل صدر مسیحیت است و قسمت مرکزی.

که میزان عقاید معمار وابسته به جهان بینی و فرهنگ خاص در جلوه های بصری و کالبدی بنا خود را نشان می دهد در استفاده از مواهب طبیعی (نورپردازی جهات جغرافیایی و نمادها و اعداد مقدس و سایر موارد مشابه خود را نشان می دهد. بر این اساس باید گفت که:

در بطن چهار طاقی عنصر چلیپا دیده می شود که معرب آن صلیب است. مسیحیان رو به سوی جانبی از آسمان می کنند که خورشید مظهر مسیح از آنجا از نو در عید قیامت بر می خیزد. تضاد دو عنصر نور و تاریکی در هنر مسیحی و اسلامی ریشه در اعتقادات دارد. تمرکز کلیسای مسیحی بر روی محراب و محوطه مقدسی که آن را در بر گرفته، تکوین یافته است. حجاری در بخش سیاه:

جدول شماره ۲- بررسی تطبیقی معماری اماکن قدسی در دو دین اسلام و مسیحیت ارتدوکس

ماخذ: نگارندگان

بررسی تطبیقی معماری اماکن قدسی در دو دین اسلام و مسیحیت ارتدوکس			
تشابه	مسیحیت ارتدوکس	اسلام	
*	صلیب و مربع - مستطیل	مربع دایره و مثلث	فرم معماری
***	متمرکز (وحدت گرا)	متمرکز (وحدت گرا)	نوع نقشه معماری
***	ترکیب محوری - مرکزی	ترکیب محوری - مرکزی	ترکیب پلان معماری
***	التفات به جهات اربعه	التفات به جهات اربعه	نوع محور بندی
**	برج ناقوس	مئاره و گلدسته	نوع عنصر عمودی
**	نورپردازی در گنبد	التفات به نور طبیعی در گنبد و عناصر خاص معماری	نوع نورپردازی
***	سیالیت فضایی	سیالیت فضایی	نوع فضا پردازی
**	توجه به فضاهای تهی و فضاهای غیر تهی	توجه همزمان به فضاهای تهی	نوع فضا سازی

تصاویری از صلیب و گردونه‌ی خورشید را به نمایش می‌گذارد و حجاری‌های بخش سفید: تصاویر انسان، جانوران، موتیف‌های گیاهی را به تصویر می‌کشد. در عین حال سادگی و بی‌پیرایگی کلیسا خود را نشان می‌دهد که تنها نقاشی موجود شمایل مریم مقدس در محراب است.

به اعم نتایج تحقیق در قالب جدول زیر اشاره شده است:

جدول شماره ۳- جمع بندی نتایج تحقیق

مفهوم هندسه و فضای معماری از دیدگاه حکمت اسلامی	مفهوم هندسه و فضای معماری از دیدگاه حکمت ارتدوکس مسیحی
همه انواع هندسه ها و فضاها از منظر وجودی زیبا و خیر و حق می باشند در ابتدا ارزش گذاری نمی شوند. (اصل ارزش گذاری یکسان فضاها)	در حکمت مسیحیت کلیسا واحد می باشد زیرا توسط روح القدس در عیسی جمع شده و به سوی پدر گام برمی دارد. (اصل وحدانیت و حاکمیت کلیسا)
طراحی هندسه فضا باید متناسب با نیازهای انسان انجام گیرد نه مستقل و خودبیتاد (اصل توجه به نیازهای انسانی)	اسقفان کلیسا در واقع جانشینان حواریون مسیح به شمار می روند و هم آنها هستند که پیام الهی را به گوش مردم می رسانند (اصل نیاز دایمی انسان به آموزش دینی از سوی پاپ)
از آنجا که نیازهای انسان متنوع می باشد، انتخاب هندسه یک مجموعه شهری باید متنوع باشد (اصل تنوع)	اصل تنوع در هندسه فضاها به علت متنوع بودن نیازهای انسان
اصل رده بندی اهداف در جهت رشد کمال معنوی	فضای کلیسا فضای روحانی کاملی است. زیرا هنرهای زیباساز فضای ادراکی در تدوین و آرایش آن مداخله داده شده اند. (اصل رده بندی اهداف در جهت رسیدن به قلب کلیسا و نقطه عطف)
از منظر اسلامی چون حیات مادی انسان بستر حیات روحی اوست بنابراین هندسه سیر آفاقی (انسان و نقطه دید متحرک) باید بستر هندسه سیر انفسی (انسان و نقطه دید ثابت) را فراهم کند (اصل حرکت از کثرت به وحدت، از بیرون به درون)	فضای داخلی کلیسا مکان تعالی است و خالی از هر شی و از هر پدیده ای که بتواند به گونه ای میان مؤمنان و کسی که رابط میان ایتان و مسیح است قرار گیرد. و جهان مادی را سد خلوص و تعمق کند (اصل حرکت از کثرت به مکان تقدیس و تعالی)
کتاب آفرینش یعنی همان جهان پهناور با گستردگی و غنای بی انتهای خود سرشار از وجود و از زیبایی‌های متنوع مادی و معقول می باشد (اصل تأمل و الهام از زیبایی‌های موجود در جهان)	کلیسا که مکان تجلی قدرت خداوند است، تمامی راز خداوند را در بر می‌گیرد. و این راز توسط کلیسا به انسانها عرضه میشود. و عیسی کلیسا را به تمام امتهای و تمدنها فرستاده تا مرده نجات در مسیح را اعلام دارند. (اصل تأکید بر اقتدار مطلق خدا به عنوان یک پدر)
هر چیز در جای متناسب خودش و در یک جریان قانونمند متناسب قرار گرفته است. (اصل عدالت)	کلیسا اجتماعی است که در آن خدا عمل می کند و چون خدا کامل است، پس کلیسا تقارن کامل دارد. (اصل کمال و تقارن کلیسا)
اصل ممتوعیت مجسمه سازی، استفاده از صورتک و اشکال انسانی و حیوانی	مسیحیان در نیایش خود از شمایل مقدس استفاده میکنند. تا تخیلاتشان را قوی سازند. و دعای خود را محکمتر گردانند. مومنان خطاب به خود شمایل دعا نمی کنند. بلکه خطایشان آن کسی است که به شمایل ترسیم شده است. (اصل نمایش دهی شمایل مسیح)
تفکر و تعمق و عبادت به منظور رسیدن به اصل خویش و یافتن طمأنینه خاطر و آرامش اصیل در درون به هندسه ای موزون و متعالی می انجامد. (اصل تفکر در درون به منظور رسیدن به اصل خویش)	مؤقتانی که در کلیسا جمع می شوند، آدهمایی همیشه نیارمند به آموزش دینی فرض می شوند. بنابراین موعظه گفتاری یک سویه در عالم کلیسا هرگز پایان ندارد. (اصل موعظه گفتاری یک سویه در کلیسا)
اصلی ترین دید انسان را دید معنوی و یاصلی او می دانند. و به این ترتیب شفافیت در نزد آنان امکان نفوذ از ظاهر به باطن می باشد. (اصل شفافیت)	اصل کمرنگ کردن رابطه بصری با جهان مادی جهت تقویت خلوص و تعمق

منابع

۱. حکمتی، شیوا، اختر کبیر، (۱۳۷۴)، "فضای اندیشه ای. ذهنی، فضای کالبدی- شهری"، اولین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد چهارم، سازمان میراث فرهنگی کشور، کرمان.
۲. الیاده، میرچا، (۱۳۶۵)، "مقدمه ای بر فلسفه تاریخ"، ترجمه بهمن سرکاراتی، انتشارات نیما، تبریز.
۳. نقی زاده، محمد، (۱۳۷۸)، "جستاری در چیستی اسلامیت هنر و معماری ایران"، مجموعه مقالات اولین همایش هنر اسلامی تهران، انتشارات موسسه مطالعات هنر اسلامی، تهران.
۴. نقی زاده، محمد، (۱۳۷۸)، "جستاری در چیستی اسلامیت هنر و معماری ایران"، مجموعه مقالات اولین همایش هنر اسلامی تهران، انتشارات موسسه مطالعات هنر اسلامی، تهران.
۵. نصر، سید حسین، (۱۹۹۶)، "ایده آل ها و واقعیت های اسلام"، لندن، آلد اند انوین، و همچنین کتاب "معنویت در هنر".
۶. نوربری شولتز، کریستیان، (۱۳۸۲)، "معماری: معنا و مکان"، ترجمه ویدا نوروز برازجانی، نشر جان جهان، تهران.
۷. الیاده، میرچا، (۱۳۷۲)، "تاریخ ادیان"، ترجمه جلال ست، ن، تهران.
۸. الیاده، میرچا، (۱۳۷۵)، "مقدس و نامقدس"، ترجمه ن، بی، سروش، تهران.
۹. نصر، سید حسن، (۱۳۸۰)، "معرفت و امر قدسی"، ترجمه فرزاد حاجی میرزایی، نشر فرزاد، تهران.
۱۰. ملکیان، مصطفی، (۱۳۸۱)، "راهی به رهایی"، جستارهایی در باب عقلانیت و معنویت، انتشارات نگاه معاصر، تهران.
۱۱. اردلان، نادر و بختیار، لاله، (۱۳۸۰)، "حس وحدت سنت عرفانی در معماری ایرانی"، ترجمه حمید شاهرخ، انتشارات نشر خاک، چاپ اول، تهران.
۱۲. انصاری، مجتبی، (۱۳۶۷)، "اصول طراحی معماری اسلامی و سنتی"، پایان نامه کارشناسی ارشد معماری.
۱۳. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۱)، "مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی"، صدرا، قم.
۱۴. شریعتی، علی (بی تا)، "تاریخ و شناخت ادیان"، انتشارات البرز، تهران.
۱۵. پورجعفر، محمدرضا، (۱۳۸۲)، "جاودانگی در شهرسازی"، ماهنامه شهرداری ها، سال پنجم، شماره ۵۴.
۱۶. مددپور، محمد، (۱۳۸۱)، "حکمت معنوی وساحت هنر"، نشر فرهنگی منادی تربیت، تهران.
۱۷. خمینی، روح الله، (۱۳۶۹)، "سرالصلوات"، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران.
۱۸. زارعی، محمد ابراهیم، (۱۳۸۱)، "آشنایی با معماری جهان"، انتشارات فن آوران، چاپ دوم.

19. www.iid.org.ir
20. orthodoxwiki.org/Temple_of_Saint_Sava
21. localbizblogs.com/stsava
22. www.answers.com/topic/serbian-orthodox-church